



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



گفتگو با خطیب مدینہ

نویسنہ:
شیخ محمد پر اعظم میر دامادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفتگوئی با خطیب مدینه

نویسنده:

محمود بحر العلوم میردامادی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	گفتگویی با خطیب مدینه
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	پیشگفتار
۱۲	متن گفتگو
۴۸	درباره مرکز

سرشناسه : میردامادی، سید محمود، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدید آور : گفتگوئی با خطیب مدینه / نویسنده سید محمود بحر العلوم میردامادی.

وضعیت ویراست : [ویراست ۲].

مشخصات نشر : اصفهان: بهار قلوب □ ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۴۲ ص.؛ ۵/۹ × ۵/۱۹ س م.

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۶۷-۱۳-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتاب حاضر نقدی بر کتاب "هذه نصیحتی الی کل شیعی" از ابوبکر جزایری است.

یادداشت : کتاب حاضر قبلا با عنوان "گفتگوی با خطیب مدینه: نقدی بر گفتار ابوبکر جزایری" در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس.

عنوان دیگر : گفتگوی با خطیب مدینه: نقدی بر گفتار ابوبکر جزایری.

موضوع : جزایری، ابوبکر جابر. هذه نصیحتی الی کل شیعی -- نقد و تفسیر

موضوع : شیعه -- دفاعیه ها و ردیه ها

رده بندی کنگره : BP۲۱۲/۵م/۹۲گ ۱۳۹۳۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۱۷

شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۱۳۳۳۴

ص: ۱

نگارنده: سید محمود بحرالعلوم میردامادی

زیر نظر: مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مهدویت ناشر: بهار قلوب

چاپ اول: ۱۳۹۳

چاپخانه: گل وردی

تعداد: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۶۷-۱۳-۴

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

مراکز پخش: ۳۷۷۰۵۴۹۳ - ۰۲۵ و ۳۲۲۳۷۳۵۲ - ۰۳۱

ارتباط مستقیم: ۰۹۱۲

سامانه ی پیام کوتاه: ۳۰۰۰۶۰۱۶۱۴

Info@Mahdavi-Publication.com

Mahdavi-Publication.com

ص: ۴

مسلمانان، برادران و خواهران دینی، حقیر این نوشته را در حال سفر با کمی حوصله در جواب آقای ابوبکر جزائری که خود را عالم و اندیشمند و دلسوز مسلمانان می داند نوشته ام، خواهشمندم این نوشته را بدون تعصب (با میزان کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله طبق مدارک صحیح، نه مدارکی که زائیده ی سیاست بنی امیه و بنی عباس و استعمار است) مطالعه نمایید، و با تدبّر کامل و آزاد اندیشی در روایات فریقین (نه یک فرقه) در موضوع برتری اهل البیت علیهم السلام، خود به قضاوت بنشینید.

آقای ابوبکر جزائری و هم فکرانش با نوشتن کتابهایی مثل «هذه نصیحتی الی کل شیعی» و

ترجمه ی آن به چند زبان، کینه ی دیرینه ی خود را با پیروان اهل البیت علیهم السلام آشکار ساخته، با ایجاد اختلاف بین مسلمانان، استعمار را تقویت می نمایند، به امید آنکه روزی شاهد بیداری همه ی اهل سنت و توبه ی آقای ابوبکر جزائری و دوستانش، در پیشگاه خداوند و عذرخواهی آنان در پیشگاه اهل البیت علیهم السلام ، باشیم.

والسّلام علی من اتّبع الهدی

سید محمود بحر العلوم میردامادی

۷ محرم الحرام ۱۴۲۱ هـ. ق

ص: ۶

«... إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»^(۱)

آقای ابوبکر جزائری!

سلامٌ علیکم و...!!

کتاب ترجمه شده ی شما را، بنام «گفتاری با حق جوین شیعه» خواندم و از اینکه بنام دلسوزی و تبلیغ حق به شیعیان و مکتب نورانی اهل البیت عصمت و طهارت علیهم السلام تهمت زده اید، متأثر و متأسف گردیدم.

عنوان کتاب شما که «هَذِهِ نَصِيحَتِي إِلَى كُلِّ شَيْعِي» می باشد اقتضاء دارد منطقی و برهانی با شیعه صحبت کنید و جانب ادب و انسانیت را رعایت نمایید که گفته اند:

«كُنْ إِبْنَ مَنْ شِئْتَ وَ اَكْتَسِبْ أَدْبًا...»^(۲)

در صفحه ی ۱۸ از کتابتان گفته اید: مدتها بود که

ص: ۷

۱- - فرقان: ۶۳.

۲- - دیوان أمير المؤمنين عليه السلام ، ص: ۶۶.

از شیعه ی اهل البیت علیهم السلام چیزی جز این نمی دانستم، که آنان نیز گروهی از مسلمانانند و تنها در محبت اهل البیت علیهم السلام غلو می کنند و از آنها دفاع می نمایند.

آقای جزائری!

به همین دلیل که چیزی از شیعه نمی دانستید و الان هم نمی دانید به شما سلام کردم و خواستارم بدون اجازه ی آنها که به شما مأموریت تبلیغ علیه شیعه و مکتب انسان ساز اهل البیت علیهم السلام را داده اند، بیشتر به مطالعه و تحقیق پردازید.

چرا بدون اجازه ی آنها؛ چون آمران شما اجازه ی مطالعه و تحقیق در آیات و روایات امامت و ولایت را به هیچ کس نمی دهند، می ترسند شما و دیگر طرفداران سقیفه هم، با آزاد اندیشی به راه «انطاکی» و «دکتر تیجانی»

و «عبدالرحمن العلی» و... کشیده شوید و به مکتب نورانی اهل البیت علیهم السلام، رو آورید.

ص: ۸

همانطور که قبلاً فکر می کرده اید، فکر کنید و شیعه ی اهل البیت علیهم السلام را گروهی از مسلمانان بدانید؛ ولی مسلمانانی که اسلام را از نزدیکترین چشمه سار به رسول الله صلی الله علیه و آله دریافت داشته اند، از باب مدینه ی علم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تأویل قرآن را خواسته، سنت پیامبر را فرا گرفته اند.

شما در صفحه ی ۲۰ کتابتان، گفته اید: آرزوی من از هر شیعه ی حق جو این است که این حقایق را با دیده ی انصاف و اخلاص بنگرد، و دور از دریچه ی تعصب در مورد مذهب خویش و پیروی از آن به قضاوت پردازد، اگر دادگاه آزاد فکری اش، به صحت آن حکم کرد و پیروی از آن را ستود، باز هم مانند گذشته بر مذهبش باقی بماند و به پیروی از آن ادامه دهد، اما اگر قاضی وجدانش بر

بطلان و فساد آن حکم نمود، و پیروی از آن را تقبیح کرد، بر هر شیعه ی حق جو واجب است که نصیحت

بپذیرد و برای نجات خویش آنرا ترک نماید و از وی اعلان برائت کند، و به همان دستور زندگی ای که میلیون ها مسلمان به آن ایمان آورده اند، اکتفا نماید، یعنی قرآن خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله .

آرزوی ما هم در مورد شما و دوستانتان همین است، که با دیده ی انصاف و اخلاص، کتب منطقی و استدلالی شیعه در موضوع امامت، مثل «المراجعات»، «النصّ و الاجتهاد» و «الغدیر» را بخوانید و به دور از تعصب، به روایات وارده در موضوع پیشوائی اهل البیت علیهم السلام بنگرید و به هر چه اقتضاء آزاد اندیشی است عمل نمایید.

اشکال شما در مورد حدیث منقول از کافی شریف، مبنی بر اینکه ائمه علیهم السلام کتب آسمانی را به هر زبانی که باشد می دانستند، از اینجا ناشی می شود که نسبت به مقام علمی اهل البیت علیهم السلام ، نا آشنا می باشید.

از شما سؤال می‌کنم با توجه به حسابرسی یوم الدین به سؤال من جواب دهید:

«مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (۱) که در قرآن از آن یاد شده چه کسی می‌باشد؟

اگر غیر از امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، پس چرا خلفاء برای حل مشکلات به علی علیه السلام رجوع می‌نمودند؟

نهج البلاغه، کتاب دانش و معرفت و خطبه‌های نورانی آن، از کیست؟

شما حکمت نظری و عملی، بیان معارف و حقایق توحیدی، تدریس اخلاق و تزکیه را، با فصیحترین و بلیغ‌ترین کلام بعد از قرآن و کلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در کدام مکتب نورانی سراغ دارید؟

حاکم حسکانی: «بصیر» در آیه ی ۱۹ سوره ی فاطر را علی علیه السلام می‌داند و برای مصداق «و العلماء»

ص: ۱۱

در آیه ی ۲۷ سوره ی فاطر، به حضرتش اشاره می نماید. (۱)

پس این چه اشکالی است که بر دانش اهل البیت علیهم السلام وارد می کنید که چرا به کتب آسمانی اطلاع داشتند؟

وقتی از آیات و روایات فریقین، نه روایات یک فرقه، دانستیم حضرت علی علیه السلام به عنایات حق تعالی عالم به کتاب الله است، و در جمیع علوم، خاصه علوم الهی، حکمت نظری و عملی، بزرگترین معلّم توحید و مربّی یکتاپرستی است، به طریق اُولى نتیجه می گیریم، آن حضرت به کتب سماوی پیشینیان نیز آگاهی داشته است، و بعد از ایشان فرزندان مطهّرين آن حضرت، وارثان علوم و کمالات آن جنابند.

کتاب آسمانی مؤیّد پیامبر و عترت ایشان است، مآدمآد، فارقلیطا و ایلیا از درخشان ترین نامهایی است که در تورات و انجیل آمده، و اگر کمی مطالعه داشته باشید به اقرار اهل کتاب این نامها، جز

ص: ۱۲

۱- - شواهد التنزیل، ج ۲: ص ۱۰۱ و ۱۰۰.

نام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام نام دیگری نیست. (۱)

حال چه اشکالی دارد، که آن بزرگواران از کتبی که مؤیدشان می باشد، مطلع باشند.

آقای جزائری!

آیا شما به «لولا علی...» که عمر بارها بیان داشت، توجه کرده اید؟ آیا می توانید بگویید عمر هم در مدح علی علیه السلام غلو کرده است؟

اربابان شما، صدرنشینان سقیفه، به قول علمای خودتان که هنر پاسخگویی به یهود و نصاری را نداشتند؛ پس چه کسی باید به داد اسلام می رسید و آبروی مسلمین را حفظ می کرد؟

حداقل شما به مقدار عمر فهم داشته باشید و

ص: ۱۳

۱- - به کتاب انیس الاعلام فی نصره الاسلام تألیف محمد صادق فخر الاسلام، که از علمای مسیحیت بوده و مسلمان شده است، مراجعه نمایید.

عمری فکر کنید، که اگر علم حضرت علی علیه السلام و روشنگری و گفتار حکیمانه ی او نبود، آبرویی برای جامعه ی مسلمین و حکومت باقی نمی ماند.

بصیرت ائمه علیهم السلام به فقه اسلامی و سنت رسول گرامی صلی الله علیه و آله و آگاهی ایشان به علوم طبیعی و دانش ریاضی، زبان زد خاص و عام است و در کتب تفسیر و حدیث و تاریخ و ادب نظماً و نثراً آمده است، ولی شما در خم یک کوچه گیر کرده اید و به اینکه ائمه علیهم السلام به تورات و انجیل آگاهی داشته اند اشکال می کنید.

اگر اهل البیت علیهم السلام به کتب آسمانی و مبانی ادیان آگاهی نمی داشتند، چگونه می توانستند با علماء و رؤسای اقوام و مذاهب به مباحثه و گفتگو بنشینند و برتریهای اسلام را بیان کنند؟

در مورد مراجعه ی عمر به برگه ای از تورات که در صفحه ی ۲۶ کتابتان آورده اید، بله، باید وی مورد توییح رسول الله صلی الله علیه و آله قرار می گرفت، زیرا او در اسلام

مبتدی و تازه وارد بود ولی اهل البیت علیهم السلام که باب دانش پیامبرند و «رَاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» می باشند، علم به کتاب آسمانی را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرا گرفته و از این علم به عنوان یک سلاح و وسیله جهت تبلیغ اسلام استفاده می نمودند.

آقای جزائری!

برای چه و به چه منظور

در صفحه ی ۲۴ به شیعه تهمت زده اید، که آنها خود را از قرآن بی نیاز می دانند، هرگز و هزار هرگز.

شیعه، قرآن را کتاب قانون الهی می داند و به قرائت آن می پردازد، و برای فهم معانی آن تلاش نموده، از دانش «رَاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» و عالمان به کتب آسمانی «یعنی اهل البیت علیهم السلام» استفاده می کند.

استفاده ی شیعه از قرآن همراه با تفکر و تدبیر و

ص: ۱۵

در دانشگاه عترت، بوده و با نوع استفاده ی استعمارپسند شما، فرق دارد.

قرآن در دانشگاه اهل البیت علیهم السلام غصب و ستم و تجاوز را حرام و کار قبیح می شمرد، ولی قرآن در کلاس خلیفه با توجیه اهل سقیفه به غاصبان و ستمکاران ستم و نمره ی عالی می دهد.

آقای جزائری!

چرا در جامعه ی وهابیت نامی از قرآن بیش نمانده است؟

چرا به آیات فضل و برتری اهل البیت علیهم السلام توجهی نمی شود؟ مگر آیات (تطهیر) و (مودت) و (ولایت) در قرآن وجود ندارد؟ اگر موجود است پس استفاده از مطهرین و مودت آل یاسین و لئیک به ولایت یعسوب الدین، کجای جامعه ی وهابی انجام می گیرد؟

ص: ۱۶

شما که خود را اهل قرآن می دانید، و شیعه را بی اعتنا به قرآن می خوانید، بگویید آیا در قرآن آیه ی: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ...» (۱) و آیه ی:

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (۲) و آیه ی: «اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» (۳) و آیه ی: «إِنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (۴) وجود ندارد؟

آیا در احادیث نبوی صلی الله علیه و آله احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یافت نمی شود؟

پس چرا در مورد احیاء کننده دین، و وارث حکومت زمین، مصلح بشریت و هادی امت، سخن نمی گوئید؟

چرا در مدینه و مکه پایگاه قرآن، جلسه ای به نام

ص: ۱۷

۱- - انبیاء: ۱۰۵.

۲- - فتح: ۲۸.

۳- - صف: ۸.

۴- - حدید: ۱۷.

مهدی فاطمه، سر پا نمی کنید، و صبح جمعه ای به یاد آن امید دلها و محبوب قلبها به دعا نمی پردازید؟

شما مدح و توسل به علی علیه السلام و آل پیامبر علیهم السلام را شرک می دانید، در حالیکه در

مدح ستمگران تاریخ، و توسل به حکومت‌های کفر امروزی غوطه ورید؟

جمعه و جماعت شما توجیه کننده ی ستم ستمگران، و بر اساس برنامه ریزی حکومت‌های غربی و اروپایی است، و صد البته نباید از امام عدالت پرور حضرت علی علیه السلام و امام فضیلت گستر، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نام ببرید.

جرم شیعه که به او ناسزا می گوئید، و جرم شیخ کلینی و محدثان دیگر که علیه آنان تبلیغ می کنید، این است که دل به اهل البیت علیهم السلام داده اند، و با حکومت‌های ظالمانه خصومت و دشمنی دارند.

ص: ۱۸

شیعه دانشگاه اهل البیت علیهم السلام و مدرسه ی نهج البلاغه و صحیفه ی سجادیه و کلاس امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام را، بر جهالتگاه خلفاء، ظلمتکده ی بنی امیه و بنی عباس و مَدْرَسَ تَزْوِیرِ انْکَلِیس و آمریکا، ترجیح می دهد و به کتب روائی اهل البیت علیهم السلام، نه دستورالعمل های استعماری، پناه می برد.

همانطور که قبلاً یادآوری گردید، دانش اهل البیت علیهم السلام به کتب آسمانی، وسیله ای برای تبلیغ اسلام بوده است.

وقتی قرآن از کتب آسمانی خبر می دهد و مثلاً از قول حضرت عیسی علیه السلام می فرماید:

«بعد از من رسولی به نام احمد می آید»^(۱)

ص: ۱۹

۱- - «و مَبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ»، صف: ۶.

، اگر اهل البیت علیهم السلام با یک عالم مسیحی مباحثه نشستند، آیا نباید از مأخذ اصلی که قرآن از آن نقل می کند، گفته ی حضرت عیسی را ارائه دهند؟

آیا علم ائمه علیهم السلام به گفتار انبیای گذشته، در مورد حقیقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عیب به حساب می آید، و یا برتری آنان را بر دیگر مدعیان ثابت می نماید؟

جای بسی تأسف است که در اندیشه ی شما و رهروان شما، علم و آگاهی محکوم و مردود است، البته این دیکته و دستوری است از اجانب، که مردم را از مصابیح هدایت و عالمان به شریعت یعنی اهل البیت علیهم السلام اینگونه دور بدارید.

در صفحه ی ۳۳ از کتابتان که گفته اید: آیا برای اهل البیت علیهم السلام جایز است، کتاب خدا را فقط به خودشان

منحصر کنند و جز شیعیانشان به هیچ کس دیگری از مسلمانان اجازه ی استفاده از آن را ندهند؟

این سؤال بسیار بی مورد و القاء آن زمینه سازی، جهت تهمت به اهل البیت علیهم السلام و شیعیان می باشد، و طبق روایتی که علماء خودتان مثل حاکم نیشابوری در جلد ۳ مستدرک الصحیحین صفحه ی ۱۶۱، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده، کتاب الله با عترت در کنار هم و مؤید یکدیگرند.

«فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» (۱) رجوع به عترت را برای فهم قرآن بازگو می کند.

آیا می توانید بگویید قرآن و پیامبر هم مثل شیعیان، غالی در مدح عترتند و آیا این احتکار رحمت الهی است که می فرماید:

برای درک معانی قرآن به متخصصین و آگاهان رجوع نمایید.

ص: ۲۱

آقای جزائری!

آیا فاقد شیئی می تواند معطی شیئی باشد؟

کسیکه در مسائل فرعیّه ی شرعیّه آگاهی نداشت، کجا می توانست مسائل اصولی دین را حل نماید، خودتان بهتر می دانید، که خلفاء در مسائل اسلامی متحیر و سرگردان می ماندند و برای حل مسائل به علی علیه السلام پناه می بردند.

آیا اعلم بودن انحصار طلبی و احتکار رحمت الهی است.

پس این تنها شیعه نیست که علی علیه السلام را اعلم امت می داند، بلکه رجوع کنندگان به آن حضرت، از جمله خلفاء، ایشان را اعلم می دانستند.

آقای جزائری!

مدلول آیه ی شریفه ی تطهیر چیست؟ آیه ی

ص: ۲۲

می گوید؟ آیه ی ولایت چه مطلبی را با کلمه «إِنَّمَا» آورده است؟ آیا وجود پاکان در جامعه چه فایده ای دارد؟

خداوند افراد پاک و اعلم را در جامعه قرار داده که امام باشند، یا مأموم دیگران واقع شوند؟

آیا انحصار طلبی در آیه ی شریفه ی «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» (۱) وجود ندارد؟ آیا احتکار رحمت الهی در آیه ی «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (۲) وجود ندارد؟ چه می گویم!!؟

آقای جزائری!

به مطالب إلقاء شده در کتابتان، خوب دقت کنید و به پیشگاه خداوند متعال عذرخواهی نمایید.

ص: ۲۳

۱- - مائده: ۵۵.

۲- - احزاب: ۳۳.

آیه ی شریفه ی «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (۱) چه می فرماید؟

اگر آزاد اندیش باشید و موانع فکری را کنار بزنید، می بینید اطاعت از اولی الامر در این آیه مطلقاً واجب شده است، زیرا قرآن این موضوع را مطلق بیان داشته، و نفرموده به شرط اینکه چنین و چنان باشند اطاعتشان کنید، معلوم می شود که اولوالامر پاکان و برگزیدگان هستند، بطوریکه اطاعتشان در عرض اطاعت خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است.

پس اشکال شما به شیعه، که چرا از امامان اطاعت

می کنند به آیه ی قرآن بر می گردد.

ص: ۲۴

شیعه، امامان را پاک و برگزیده می‌داند و بر این مطلب از روایات منقول از کتب فریقین (شیعه و سنی) «نه تنها اصول کافی» استناد می‌نماید.

آقای جزائری!

پیرامون آیه ی مباهله و روایات وارده در باب اینکه علی علیه السلام نفس رسول الله صلی الله علیه و آله است، چه می‌گویید؟^(۱)

این آیه می‌رساند که علی علیه السلام مقام بالا و بلندی را دارا بوده و در فضائل با پیامبر صلی الله علیه و آله شرکت داشته است، آنچه استثناء شده مقام نبوت و رسالت بوده و این استثناء، اقتضاء خاتمیت و رسالت پیامبر خدا است.

شیعه طبق حدیث منزلت، علی علیه السلام را وصی و

ص: ۲۵

۱- - کفایه الطالب، گنجی شافعی: ص ۲۵۴ و شواهد التنزیل، ج ۱: ص ۱۲۰.

برادر و یاور پیامبر می داند، و هرگز معتقد به مقام پیامبری برای آن حضرت نمی باشد، چرا به شیعه تهمت می زنید؟

خواننده ی کتاب شما اگر شیعه باشد، به اعتقادات خودش آگاهی دارد و می فهمد مطالب شما به جز تهمت و افتراء چیز دیگری نیست، و اگر سنی باشد شما بذر خشم و کینه نسبت به شیعیان و دلدادگان اهل البیت علیهم السلام در قلب او ایجاد کرده اید و این خلاف وظیفه ی انسانی و اسلامی شما می باشد. شما باید بذر اتحاد در قلوب مسلمین بکارید و اهل سنت را به حقیقت غدیر خم و سفینه ی نوح و پیروی از اولی الامر واقعی فرا خوانید.

شیعه به خداوند یگانه و به رسالت خاتم الأنبياء معتقد است و قرآن را کتاب قانون و برنامه ی زندگی می داند.

شیعه به عدل الهی و معاد اعتقاد دارد و بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دوازده نفر از اهل البیت علیهم السلام را وصی، و راهنمای بعد از پیامبر می شناسد. کجای این

اعتقاد کفر و ارتداد است؟

آقای جزائری!

اقتضاء آیه ی شریفه ی «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (۱)

چه می باشد؟ شیعه به اقتضاء این آیه ی شریفه و آیات دیگر و احادیث (فریقین) درباره ی فضل و برتری اهل البیت علیهم السلام به امامت ایشان معتقد است، آیا این اعتقاد گناه است؟

از همه ی مسلمین بلکه از همه ی مردم دنیا می پرسیم، آیا انتخاب برتر گناه است؟ آیا بهترین انسان را برگزیدن و به رهبری او، طی راه نمودن، جرم است؟ شما اگر در محل کار و زندگی خود دو معلّم سراغ داشته باشید، یکی کم دانش و دیگری عالم کامل، برای تحصیل نزد کدام یک می روید؟

ص: ۲۷

دو امام جماعت، یکی ناآشنا به احکام و غیر متقی، و یکی عالم و متقی و دانشمند پرهیزگار، به جماعت کدام یک از اینها حاضر می شوید؟ آیا توجه به عالم و دانشمند و انس با متقین و صادقین دستور قرآن نمی باشد، آیا آیه ی «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ» (۱) و آیه ی «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (۲) را در قرآن نخوانده اید؟ قرآن در انتخاب برترین و گزینش بهترین، نظر مثبت دارد و دنباله روی از افراد نادان و غیر متقی را محکوم می کند.

مطلب دیگر که باید در اینجا عنوان شود این است که مردم صدر اسلام به

استناد کدام آیه و یا روایت برای مردم زمانهای بعد، تصمیم گرفتند؟ مگر مسلمین صدر اسلام بر مردم قرون بعد، ولایت داشتند؟ مگر آنها در آراء و افکارشان

ص: ۲۸

۱- - زمر: ۹.

۲- - توبه: ۱۱۹.

معصوم بودند؟ به چه دلیل مسلمین زمانهای بعد باید به خلافت خلفای زمانهای قبل معتقد باشند؟

در این عصر اگر کسی از آیات قرآن و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله فرد پاک و صالح را شناخت، اعلم و مرد تقوا و فضیلت در صدر اسلام را یافت، و در برابر مقام امامت او تسلیم گردید، باید تازیانه‌ی تکفیر بر سرش فرود آید و به فحش و لعن مبتلا گردد، شما که لعن کردن را محکوم می‌کنید و حکم ارتداد را مردود می‌دانید چرا آزاداندیش نیستید و بر مردم آزاده و آزاداندیش، خلفاء قرون گذشته را با جعل و چماق لعن، تحمیل می‌کنید؟

آثار و تاریخ خلفاء گذشته، می‌تواند میزان و محکی برای شناخت آنان باشد، چرا نگاه به تاریخ صحیح را ممنوع می‌دانید، و معاویه وار از بیان برتریهای اهل البیت علیهم السلام نسبت به خلفاء ابا دارید؟

گویا با کلمه‌ی اصحاب و صحابی به بازی نشسته، و می‌خواهید اثبات عصمت برای آنها کنید و از مردم قرون بعد برای آنان بیعت بگیریید و عصمت

داران خدایی، که آیه ی تطهیر به تأییدشان قائم است را با قلم و بیان، هتک نمایند.

آقای جزائری!

از فردا نمی ترسید؟ هنگامی که ندای «وَقِفُوهُمْ

إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»^(۱)

داده شود، آیا در برابر سؤال رهبری فکرها و اندیشه ها چه می گویند؟

آیا امامت و رهبری از دیدگاه قرآن و روایات، تا چه اندازه اهمیت دارد؟

ابراهیم علیه السلام بعد از آن همه مقامات عالیه، به قول قرآن امام ناس می گردد و رهبری اندیشه ها را بدست می گیرد.

امّا امامت از دیدگاه شما و اربابانتان، ریاستی پیش پا افتاده است که نصیب «متصدیان سوق الحمار» می گردد، و آنها را به مقابله با انوار

ص: ۳۰

الهی و روشنگران جامعه ی انسانی، اهل البیت علیهم السلام وا می دارد.

آقای جزائری!

در صفحه ی ۷۱، از جنگهای خانمان سوز سخن گفته اید، و بر غربت اسلام اشک ریخته اید. از شما سؤال می کنم بعد از پیامبر اسلام اولین شمشیر بر روی چه کسی کشیده شد، «الامامه و السیاسة» که مثل شما عمری است، ولی گاهی حقایق را بیان می کند، می گوید: اولین شمشیر به روی علی علیه السلام کشیده شد، که فرمود:

«يَا بَنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي»^(۱)

و جنگهای بعدی از همین جا آغاز شد، شما که خود را دوست اهل البیت علیهم السلام می دانید، چرا به

ص: ۳۱

۱- - الامامه و السیاسة، دار الاضواء، بیروت: ص ۳۱، اشاره به آیه ی ۱۵۰، سوره ی مبارکه ی اعراف است.

کسانی که در برابر اهل البیت علیهم السلام قیام کردند نمره می دهید و به آنها آفرین می گویید؟ آیا مردم قرون بعد که با تبلیغات دروغین و حرمت شکنیهای ننگین شما به دام مکتب خلفاء افتاده اند، یوم الحسره ضمن اینکه دست خود را با دندان می گزند، به بارگاه خدای قادر عادل، به شکایت علیه

شما علمای غیر عامل و عاملان طریق باطل، قیام نمی کنند؟

آقای جزائری!

راستی؛ هیچ فکر کرده اید کتاب شما به دست عقلا می افتد؟

شما این کتاب را برای چه گروه و طائفه ای نوشته اید؟

پایین ترین گروه شیعه از نظر دانش به عبارات کتاب شما می خندند.

بله؛ فرقه ی شیعه می گوید:

ص: ۳۲

امام و خلیفه باید معصوم باشد؛ و بر مطلبش دلیل می آورد، ولی معتقد نیست که وحی تشریحی و قانون جدید به امام می رسد.

شیعه معتقد است، امامت باید با تعیین خداوند و نصّ و سفارش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باشد، همانطور که در جزئی ترین مطالب دین، دستور خداوند و ارشاد پیامبر لازم است، در اساسی ترین امر دینی و سیاسی، یعنی (امامت و خلافت) امر الهی و راهنمایی پیامبر خدا لازم می باشد.

آقای جزائری!

در همین صفحه گفته اید: معلوم نیست مسلمانان چه زمانی چنین امام و خلیفه ای، با این شرایط خواهند یافت؟

مسلمانان اگر از تبلیغات دروغین علمائی مثل

ص: ۳۳

شما آزاد گردند، با توجه به آیات قرآنی: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ»، «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...»، «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»، «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»، «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ» و «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ» و غیرها... دقت در احادیث غدیر و منزلت و ثقلین و دار یا انذار و... خود می‌توانند امام معصوم و مورد نظر خداوند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله را بشناسند، و با او بیعت نمایند.

اگر حدیث «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ» یا «مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ...»^(۱) در جوّ آزاد برای مسلمانان بیان بشود، همه ی آنها به ارزش مقام امام و عظمت اصل امامت می‌رسند، و به اساسی ترین اصل دینی بهاء می‌دهند، ولی شما و رهبران وهابیت، آزادی را از گویندگان توحید گرفته، با چماق شوری و اجماع، قدرت تفکر را از آنان سلب کرده اید.

ص: ۳۴

۱- - الکافی، ج ۱: ص ۳۷۶.

احادیث یاد شده، از کتب فریقین است؛ کدام امامی است که اگر او را شناسی و با او بیعت نکنی (۱) و از دنیا بروی، موت تو موت جاهلیت محسوب می شود؟

هر که آمد و گفت من امام هستم، یا هر که را مردم به او گفتند تو امام هستی، یا نه؛ هر که را خداوند به وسیله ی پیامبرش گفت او امام است، او امام می باشد؟

بله؛ امام، منصوب حق تعالی است، اگر او را شناسی و با او بیعت نکنی، هدایت را نیافته ای و وقتی با این حال بمیری، به مرگ جاهلیت مرده ای. راستی فتره ی لحظه ی بعد از فوت پیامبر تا انتخاب ابی بکر را چه می گوید؟!؟

ص: ۳۵

۱- صحیح مسلم، شرح نووی، ج ۶، کتاب الاماره: ص ۱۹۰، به این صورت نقل نموده: «من مات و لیس فی عنقه بیعه مات میتة جاهلیة» و نهج البلاغه ی ابن ابی الحدید، ج ۹: ص ۱۵۰، نقل کرده: «من مات بغير امام مات...»

لطفاً جواب بدهید، اگر جواب دارید، بزودی پاسخگو باشید و الا دست از تفرقه افکنی برداشته، به مدلول آیه ی «واعتصموا بِحَبْلِ اللَّهِ» (۱) به دامن تشیع برگردید.

حدیث «مَنْ مَاتَ وَ...» که در کتب شما هم آمده، می طلبد زمان، خالی از حجت نباشد، چون شناخت و بیعت با امام در هر زمان، به وجود امام بستگی دارد، و الا مسلمانان چه کسی را بشناسند و با که

بیعت کنند؟

از آن بعد از فوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا انتخاب ابی بکر چه کسی امام مردم بوده است؟ انتخاب را شما، کاشفٌ للخلافه نمی دانید، بلکه مُثَبِّتِ می دانید، پس ابوبکر (به قول شما) بعد از انتخاب، خلیفه و امام مردم شد و قبل از آن هیچ سمتی نداشت، پس

ص: ۳۶

آیا در این فتره (اگر چه کم و مختصر باشد)، جامعه‌ی اسلامی بدون امام بوده است، یا امامی وجود داشته ولی تبلیغات او را به انزوا کشانده است و در نتیجه مردم او را نشناخته و به مرگ جاهلیت مرده اند؟

پاسخ این است که به مقتضای حدیث «مَنْ مَاتَ وَ...» و آیه‌ی «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» و ادله‌ی دیگر، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله زمین خالی از امام نبوده و نمی باشد، مردم باید برای امام شناسی حرکت کنند و با امام زمانشان بیعت نمایند.

آقای جزائری!

حتماً برای این فتره و فاصله (بعد از فوت پیامبر تا انتخاب ابی بکر) امامی بتراشید و یا حدیث «مَنْ مَاتَ وَ...» را از کتب خودتان حذف نمایید.

آقای جزائری!

اگر مانع سر راه نمی بود و به قول «الامامه و

ص: ۳۷

السِّيَاسَة» هیزم و شمشیر نمی آمد مردم خود می توانستند امام معصوم و تعیین شده ی الهی را بشناسند و پیروی نموده و از وجودش بهره ببرند، ولی موانع آمد، و شد آنچه نباید می شد و امروز اگر استعمار مردم را رها بگذارد که به قرآن فکر کنند، در احادیث تدبیر نمایند، مباحثه آزاد شود، مدارک فریقین به دقت مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرد، مطالعه ی کتابهایی مثل

«الغدیر» جرم به حساب نیاید، آن وقت می بینید چه می شود، شما هم سعی کنید در آن زمان دیگر به دوستان اهل البیت علیهم السلام فحش و ناسزا نگویید، به شیعه لعن و نفرین نکنید، به اختلاف دامن نزنید، و آتش کینه و دشمنی بین مسلمین ایجاد نکنید، بگذارید مردم خودشان با تفکر و اندیشه ی آزاد امام و راهنما انتخاب کنند. چون مردم فطرتاً دوستاند زیباییها و کمالاتند، دوستاند علم و پاکی و انسانیتند، دوستاند بهترینها و برترینها هستند، خود به خود به طرف بوستان اهل البیت علیهم السلام رهسپار می شوند، از آب زلال نهج البلاغه و صحیفه ی

سجادیّه و مآثر باقریّه و آثار جعفریّه می نوشند، و میوه ی «ثَمَّ اهتدیت!!» (۱)،

«موعظتی لکلّ مسلم!!» (۲)، «لماذا اخترت مذهب الشّیعه؟!» (۳)

را به آزاد اندیشان عالم تحویل می دهند.

آقای جزائری!

مطلبی به ذهنم آمد با شما می گویم: غلامی و خدمتگزاری درباری را به عهده بگیرید، که اگر شک در امامت و ریاست الهیّه ی آنها دارید، حداقل حسب و نسب و شجره ی طیبه و علم و تقوا و اخلاق انسانی و کمالات روحانی را دارا باشند، نه مثل اربابان شما بی بهره از همه چیز، فقط در مسابقه ی مکر و جنایت، برنده ی شماره ی اوّل به حساب می آیند.

ص: ۳۹

۱- نوشته ی الدكتور محمد التیجانی السماوی.

۲- نوشته ی الشیخ عبد الرحمن العلی.

۳- نوشته ی الشیخ محمد مرعی الأمين الأنطاکی.

مطلب دیگری که از شما سؤال می‌کنم این است:

با توجه به حدیث «مَنْ مَاتَ وَ...» کسی که بمیرد و با امام زمانش بیعت نکند، به موت جاهلیت مرده است»، بفرمایید حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا علیها السلام آیا با ابابکر بیعت نموده، یا در حالی که غضبناک از او بودند از دنیا رفتند؟

پس در این حال آن حضرت به موت جاهلیت مرده است (نعوذ بالله)، او که پاره ی تن پیامبر اکرم و معصومه از هر رجس و پلیدی است، پس لابد باید بگویید ابابکر امام زمان حضرت فاطمه زهراء علیها السلام نبوده است، بلکه امام زمان حقیقی و الهی ایشان، حضرت علی مرتضی علیه السلام بوده و ایشان با معرفت و بیعت با آن بزرگوار از دنیا رفته است.

آقای جزائری!

سؤال دیگری دارم، با توجه به حدیث «مَنْ مَاتَ وَ...» که اقتضاء آن این است که در هر زمانی امامی

ص: ۴۰

باید باشد تا مردم با او بیعت نمایند، در حال حاضر امام مردم چه کسی می باشد؟

اگر بگویید امام نداریم، خلاف مدلول حدیث و مقتضای روایت سخن گفته اید، و اگر بگویید داریم، می گویم: او چه کسی است؟ آیا حکام وقت و رؤسای جمهور و سلاطین، امام زمان مردم هستند؟!!

اگر چنین سخنی بگویید، می گویم حتماً به درگاه خداوند توبه کنید و عذرخواهی نمایید، چون امام زمانی که در حدیث عنوان شده، شناختنش هدایت و نورانیت و رهایی از شرک و مرگ جاهلیت است.

لطفاً بفرمایید بگویید، کدام حاکم است که این چنین در پیشگاه خداوند، مقام و قرب دارد و معرفت او سرچشمه ی معرفت و مبدأ نور و کمال به حساب می آید، او،

کسی جز «مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ» که از نسل رسالت و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام است، و دوازدهمین امام ماست، شخص دیگری نمی باشد، و روایات فراوانی از فریقین در این باب موجود است، که

مجال بیان آن نیست ولی شما می توانید از کتب خودتان احادیث المهدی را استخراج کنید و عوض اختلاف افکنی بین فرَق
مسلمین آنها را به معرفت بقیه الله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت نموده، آنان را به خودسازی و انتظار
فرج و ظهور آن حضرت فرا خوانید.

ص: ۴۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

